



University of Tehran Press

Analysis and criticism of the existing approach to combating the smuggling of goods and currency in the light of multi-level governance

Amin Aghighi¹ | Massoud Morshedy^{2✉}

1. MA. in Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: aminagh110@gmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof, Department of Crime Prevention, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran. Email: massuodmorshedy@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>Introduction: The smuggling of goods and currency in the country is an indistinguishable event that has consequences for the country. According to statistics and evidence, the approach to combating smuggling of goods and currency has not been able to solve this problem.</p> <p>Purpose: The aim of this study is to analyze the existing approach and critique it in order to change it to achieve a new and effective approach.</p> <p>Research method: The data collection method, the interview and the data analysis method are thematic analysis. The sampling method was targeted and snowballed, and smuggling experts were contacted to collect the data.</p> <p>Findings: The data and research findings include the interviewees' opinions on the components of the governance of smuggling of goods and currency, which were analyzed and presented in the form of comprehensive themes.</p> <p>Conclusions: Based on the opinions of the interviewees, the existing approach to combating the smuggling of goods and currency is categorized into 6 broad themes: electronic, Law, operational, cultural, economic and judicial. Despite the diversity of components, it is observed that the main components are related to two types of electronic and law themes.</p>
Pages: 1-27	
Received: 2023/08/24	
Received in Revised form: 2023/11/25	
Accepted: 2024/05/06	
Published online: -----	
Keywords: <i>Multi-level, governance, approach, smuggling, goods and currency.</i>	
How To Cite	Aghighi, Amin; Morshedy, Massoud (2025). Analysis and criticism of the existing approach to combating the smuggling of goods and currency in the light of multi-level governance. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-27. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.363427.3368
DOI	10.22059/jplsqt.2024.363427.3368
Publisher	The University of Tehran Press.



تحلیل و نقد رویکرد موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در پرتو حکمرانی چندسطحی^۱

امین عقیقی^۱ | مسعود مرشدی^۲ ✉

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: aminagh110@gmail.com
 ۲. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
 رایانامه: massuodmorshedy@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۷-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط:</p> <p>کلیدواژه‌ها: چندسطحی، حکمرانی، رویکرد، قاچاق، کالا و ارز.</p>	<p>زمینه: موضوع قاچاق کالا و ارز در کشور، رخدادی کتمان‌نشده است که آثار و عواقبی برای کشور در پی دارد. بر اساس آمار و شواهد رویکرد موجود در راه مبارزه با قاچاق کالا و ارز نتوانسته است این معضل را سامان ببخشد.</p> <p>هدف: هدف این پژوهش، تحلیل رویکرد موجود و نقد آن در جهت تغییر در آن است تا به رویکردی نو و اثربخش دست یافت.</p> <p>روش پژوهش: روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون است. روش نمونه‌گیری، به صورت هدفمند و گلوله‌برفی است و برای جمع‌آوری داده‌ها، به خبرگان حوزه قاچاق مراجعه شد.</p> <p>یافته‌ها: داده‌ها و یافته‌های تحقیق شامل نظرهای مصاحبه‌شوندگان در خصوص مؤلفه‌های موجود در زمینه حکمرانی قاچاق کالا و ارز است که با تجزیه و تحلیل صورت گرفته، در قالب مضامین فراگیر، ارائه شدند.</p> <p>نتیجه‌گیری: بر اساس نظرهای مصاحبه‌شوندگان رویکرد موجود در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در شش مضمون فراگیر دسته‌بندی می‌شود: الکترونیکی، قانون، عملیاتی، فرهنگ‌سازی، اقتصادی و قضایی. با وجود تنوع در مؤلفه‌ها، مشاهده می‌شود که عمده مؤلفه‌ها، مربوط به دو نوع از مضمون‌های الکترونیکی و قانون است.</p>
استناد	عقیقی، امین؛ مرشدی، مسعود (۱۴۰۳). تحلیل و نقد رویکرد موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در پرتو حکمرانی چندسطحی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۱-۲۷.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2024.363427.3368
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. برگرفته از طرح تحقیقی با عنوان «تغییر رویکرد در مبارزه با قاچاق کالا و ارز با توجه به حکمرانی چندسطحی» که برای دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی نیروی انتظامی استان همدان با مشارکت پلیس امنیت اقتصادی ج.ا.ا انجام شده است.

۱. مقدمه

مقابله با جرائم سازمان‌یافته از جمله قاچاق کالا و ارز یکی از چالش‌های عمده قرن بیست و یکم است و از این رو نظام حقوق کیفری کشورها نیز می‌بایست همگام با تحولات سریع در شگردهای ارتکاب جرائم سازمان‌یافته، نسبت به ترسیم یک سیاست کیفری «جامع» و «افتراقی» برای مقابله با این جرائم اقدام کند (غازانی و رحمانی فرد، ۱۴۰۱: ۳). قاچاق کالا و ارز یکی از مشکلات اساسی اقتصادی و اجتماعی در ایران است. بر اساس آمارها و تحقیقات صورت‌گرفته در سازمان‌های بین‌المللی، میزان جرائم اقتصادی در سراسر جهان به شدت افزایش یافته است؛ ایران نیز از این رشد بی‌نصیب نبوده است. حتی بنابر دلایلی از جمله دارا بودن ساختار دولتی - خصوصی نامنظم و ناهماهنگ، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی و عدم شفافیت در حوزه‌های پولی، مالی و بودجه، اطالۀ دادرسی در نظام قضایی و به‌روز نبودن نظام‌های اداری و کنترلی، ایران به‌طور روزافزونی در این معضل گرفتار می‌شود (جوادیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳). در این زمینه رویکرد فعلی که برخاسته از قوانین و مقررات موجود است، در راه مبارزه نواقصی دارد. این پژوهش در هدف خود سعی دارد با استفاده از رویکرد حکمرانی چندسطحی به تحلیل قوانین و رویکرد فعلی بپردازد و بر اساس آن پیشنهادهایی برای تغییر در رویکرد ایراد کند. راه مؤثر در مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد رویکردی جدید است. در این پژوهش بر آنیم تا از نوع دیگری از حکمرانی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز استفاده کنیم. نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که رویکرد حاضر در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز چگونه است؟ در همین زمینه پژوهش حاضر، در پی آن است که با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌گرفته با کارشناسان مرتبط با مبارزه با قاچاق کالا و ارز ضمن شناسایی مؤلفه‌ها و رویکرد حاضر، به تحلیل و نقد آن بپردازد. اهمیت این موضوع هنگامی قابل درک است که بدانیم آمار رسمی از وقوع قاچاق کالا و ارز حاکی از درصد شایان توجه قاچاق است. از دیگر سو مبارزه با قاچاق ارز و مصادیق آن، نیازمند تبیین راهبرد منسجم و سیاست کیفری مناسب است. پراکندگی قوانین و مقررات مربوطه و توسعه شبکه‌های قاچاق بین‌المللی و تنوع مصادیق قاچاق با توجه به روش‌ها و ابزار جدیدی که قاچاقچیان به کار می‌برند، ضرورت تدوین و تصویب قانون جامع و کارا را که با همه اشکال قاچاق بتوان مبارزه کرد، الزامی نمود که ق.م.ق.ک مصوب ۹۲ این ضرورت را برطرف کرد، اما این قانون نیز نتوانسته است جلوی پیشرفت قاچاق را بگیرد (ستوده گندشمین، ۱۳۹۵: ۴). بر این مبنا همان‌طور که ذکر شد در میان مدل‌های مختلف حکمرانی، حکمرانی چندسطحی را به‌عنوان رویکردی اثربخش و تأثیرگذار بر کاهش قاچاق مناسب می‌دانیم. در تعریف حکمرانی چندسطحی می‌توان گفت حکمرانی چندسطحی به‌عنوان مشارکت انواع مختلفی از بازیگران دولتی و خصوصی (نهادهای، مقامات و سازمان‌های محلی و منطقه‌ای، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی) که به هم وابسته و دارای

روابط افقی در سطوح مختلف سرزمینی و ملی هستند، در راستای اتخاذ تصمیمات الزام آور و سیاستگذاری از راه مشورت و مذاکرات اقدام می‌کنند (Camões, 2022: 4). حکمرانی چندسطحی نوع حوزه‌های قدرت را در تعدادی از سطوح توصیف می‌کند. این حوزه‌های قدرت (بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای، محلی) دارای صلاحیت همه‌جانبه هستند. به این معنا که آنها چندین کارکرد، از جمله دامنه وسیعی از مسئولیت‌های خطمشی‌گذاری و در بسیاری موارد، نهادهای نماینده را با هم ترکیب می‌کنند. مرزهای عضویت چنین حوزه‌های قدرتی با هم تلاقی ندارند. این امر در خصوص حوزه‌های قدرت در هر سطح و همچنین در مورد حوزه‌های قدرت در سطوح صادق است (Bache, 2022: 5). با توجه به این نکات می‌توان گفت، چندسطحی شدن مرتبط با این روش چالش‌های جدیدی را در قالب سیاست‌های جدا از هم و شکاف‌های رویه‌ای ایجاد کرده است (Brown, 2018: 5). در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون است. روش نمونه‌گیری، به‌صورت هدفمند و روش گلوله‌برفی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها، به خبرگان حوزه قاچاق مراجعه شده است.

۲. پیشینه

قادری و همکاران (۱۴۰۰) هدف پژوهش خود با عنوان «در اقتصاد سیاسی قاچاق کالا در ایران: آسیب‌شناسی سیاستگذاری و سازوکارهای حکمرانی» را آسیب‌شناسی و ارزیابی قوانین و سیاستگذاری‌های مبارزه با قاچاق کالا در ایران بیان کرده‌اند. مهم‌ترین پرسش این پژوهش آن است که چرا با وجود بارها بازنگری در قوانین مربوط به قاچاق کالا، سیاست‌های مبارزه با قاچاق کالا نتوانسته است با پدیده قاچاق به مقابله مؤثر بپردازد؟ در این بررسی به دو مؤلفه تقنینی و سازمانی رسیده شده که هر دو این مؤلفه‌ها در عدم موفقیت در مبارزه تأثیرگذار بوده است.

یاوری و همکاران (۱۴۰۱) در نتایج تحقیق خود با عنوان «یادگیری سیاستی در سیاست‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز: بررسی قوانین برنامه‌های پنج‌ساله اول تا ششم کشور» نشان دادند که از ابتدای ایجاد ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تاکنون سه رویکرد متفاوت بر این ستاد حاکم بوده است. همچنین در جمع‌بندی کلی بیان کرده‌اند، کلان‌روندهای مبارزه قاچاق کالا و ارز در برنامه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم که کاملاً متکی بر مقابله صرف با قاچاق کالا و ارز است، در برنامه‌های ششم با چرخشی اساسی علاوه بر مقابله، بر پیشگیری نیز متمرکز شده و در جریان اجرای برنامه ششم رویکردی دانش‌محور را تجربه می‌کند. در این رویکرد هوشمندسازی مبارزه، توسعه فرهنگ عمومی در حمایت از تولید و مصرف کالای داخلی و ایجاد تفکر قبح مصرف کالای خارجی، ایجاد سامانه‌های متکی بر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، اصلاح ساختار و فرایندها و... مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در

دوره اخیر مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هرچند محدود، همگرایی و هماهنگی مناسبی بین دستگاه‌های عضو مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سایر بازیگران این حوزه صورت گرفته، اما نتوانسته است آن گونه که باید با توجه به محدودیت‌ها و مشکلات ناشی از سیاست دولت‌های سلطه‌گر موفقیت چشمگیری داشته باشد.

ساداتی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «آسیب‌شناسی سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه راهبردهای پلیس در مبارزه با قاچاق کالا» درصدد پاسخگویی به این پرسش است که راهبردهای جدید پلیس در مبارزه با قاچاق کالا و ارز و همچنین آسیب‌شناسی آن از منظر سیاست جنایی تقنینی ایران چیست؟ در نتایج تحقیق بیان شده است که مقنن در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در زمینه رویکرد درون‌سازمانی به سمت اصلاحات راهبردی مدیریتی، ساختاری و ارتقای نیروی انسانی و در زمینه برون‌سازمانی بر نقش-پیشگیرانه پلیس تأکید کرده است. به دلیل رویکرد متقبضانه قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و بالطبع ناکافی بودن منابع مالی و انسانی پلیس توان اصلاحات درون‌سازمانی لازم برای مبارزه قاطع با قاچاق را بر اساس قانون جدید ندارد و از طرف دیگر قانون مبارزه با قاچاق نسبت به راهبردهای نوین، سیاست جنایی مانند بازدارندگی متمرکز و سوت‌زنی فاقد احکام قانونی لازم است. همچنین آنچه نقش پلیس در پیشگیری از قاچاق نامیده می‌شود، در واقع تنها ناظر بر ابزارهای مقابله‌ای پلیس است.

ماگتی و ترین^۱ (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «حکمرانی چندسطحی و حل مسئله: به‌سوی یک نظریه پویای سیاست‌گذاری چندسطحی» بیان می‌کنند که مشکلات حکمرانی موجود، به ایجاد سیاست‌های حکمرانی چندسطحی منتهی می‌شود. فرایندها و ترتیبات در حکمرانی چندسطحی به این صورت است که سیاست‌گذاری را در سطوح مختلف قدرت که در آن مقامات دولتی و بازیگران غیردولتی درگیرند، امکان‌پذیر می‌کند. همچنین استدلال می‌کنند که ظرفیت حل مسئله و پتانسیل حل مشکل در ترتیبات چندسطحی می‌تواند به تفویض اختیار بیشتر در جهت نزولی، بالا یا جانی در قدرت منجر شود. این روند در ساختار چندسطحی نظام سیاسی را به گرایش‌های گریز از مرکز سوق می‌دهد.

اندرلین و همکاران^۲ (۲۰۱۰) در کتاب خود با عنوان *هندبوک حکمرانی چندسطحی* به بررسی مؤلفه‌ها و قواعد حکمرانی چندسطحی پرداختند. ما با استفاده از این کتاب به بررسی و تحلیل سیاست‌های موجود در حکمرانی چندسطحی می‌پردازیم و نحوه به‌کارگیری این سیاست‌ها در ایران و در قوانین موجود در زمینه قاچاق کالا و ارز را بررسی می‌کنیم. این کتاب مروری کامل بر ادبیات گسترده‌ای دارد که شامل رویکردهای مختلف نظری و مفهومی در مورد حکمرانی چندسطحی و کاربرد آنها در سیاست‌گذاری در

۱. Maggetti & Trein

۲. Enderlein

زمینه‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی است. این کتاب شامل متن داخلی، فرامنطقه‌ای و حاکمیت جهانی است. این کتاب مروری بر ادبیات حکمرانی چندسطحی ارائه می‌دهد. اهمیت حکمرانی چندسطحی در حوزه‌های سیاستگذاری مشخص برجسته شده است. این کتاب با ارائه شش زمینه سیاست از جمله سیاست‌های اجتماعی، پلیس، سیاست‌های زیست‌محیطی، سیاست اقتصادی، مالیات بین‌المللی و تنظیم استاندارد حاکمیت چندسطحی را بررسی می‌کند.

۳. چارچوب نظری

حکمرانی چندسطحی نوع و عملکرد حوزه‌های قدرت را در تعدادی از سطوح توصیف می‌کند. این حوزه‌های قدرت (بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی) دارای صلاحیت همه‌جانبه هستند؛ به این معنا که دارای چندین کارکرد از جمله دامنه وسیعی از مسئولیت‌های خط‌مشی‌گذاری هستند. همچنین مرزهای صلاحیت در حوزه‌های قدرت در سطوح مختلف با هم تلاقی ندارند (Albers, 2023: 6). در این زمینه آنها با یکدیگر همپوشانی و تعامل دارند و یک سیستم پیچیده و به هم پیوسته از حکومت را ایجاد می‌کنند. بدان معنا که در حل بسیاری از مشکلات از جمله مبارزه با قاچاق، توجه به سطوح و نهادهای مختلف درگیر در این فرایند بسیار مهم است. افزون بر این انعطاف‌پذیری در حکمرانی چندسطحی می‌تواند سبب شود قدرت‌ها و مسئولیت‌ها در صورت نیاز تطبیق و تعدیل شوند تا یک رویکرد مناسب و هدفمند برای حل مشکلات وجود داشته باشد. حکمرانی چندسطحی بر آن است که رویکرد جامع و هماهنگ شامل سطوح مختلف حکمرانی برای مقابله مؤثر با مشکلات ضروری است.

حکمرانی چندسطحی، دارای یک اصل ساده است، به این معنا که شامل حداکثرسازی اختیارات در حوزه‌های قدرت و در جهت تأمین منافع عمومی است که نتیجه آن به حداقل رساندن هماهنگی بین قدرت از طریق ایجاد صلاحیت‌های فراگیر است (Ansel & Torfing, 2022: 3). بر این اساس هدف حکمرانی چندسطحی توزیع قدرت در سطوح و نهادهای مختلف است. همچنین نیاز به هماهنگی بیش‌ازحد را با دادن اختیارات فراگیر به حداقل می‌رساند. این امکان تصمیم‌گیری کارآمدتر و ارائه خدمات عمومی و جلوگیری از هنجارهایی مانند قاچاق را فراهم می‌کند.

حکمرانی چندسطحی، مجموعه‌ای پیچیده، سیال و تکه‌تکه از حوزه‌های قدرت با همپوشانی بی‌شمار است. این حوزه‌ها دارای صلاحیت‌های فوق‌العاده‌ای هستند که می‌توان آنها را در حوزه‌های قدرت از نظر عملکردی جدا کرد. اغلب با هم تداخل دارند و آنها تمایل به چابکی و انعطاف‌پذیری دارند، به این معنا که آنها با تغییر خواسته‌های حکمرانی می‌آیند و می‌روند (Behnke et al., 2019: 7). در این زمینه باید گفت این قدرت‌ها می‌توانند با تکامل خواسته‌های حاکمیتی تغییر کرده و سیستم را پیچیده و پراکنده

کنند. این نظر بر پیچیدگی و ماهیت به هم پیوسته حکمرانی چندسطحی و حوزه‌های قدرت دارای همپوشانی و نیاز به انعطاف‌پذیری برای رسیدگی به تقاضاهای در حال تغییر حکومت مانند مبارزه با قاچاق تأکید می‌کند.

در حکمرانی چندسطحی تعداد حوزه‌های قدرت به طور بالقوه وسیع و نه محدود است که در آن حوزه‌های قدرت فقط در چند سطح همسو نیستند، اما در مقیاس‌های متعدد سرزمینی عمل می‌کنند که در آن حوزه‌های قدرت بیشتر از وظایف خاص هستند تا اهداف کلی و در مواردی که حوزه‌های قدرت باید انعطاف‌پذیر باشند تا دوام داشته باشند (Kuhlmann & Franzke, 2022: 6). در این زمینه می‌توان گفت حکمرانی چندسطحی در مقیاس‌های سرزمینی متعدد عمل می‌کند، به این معنی که قدرت در سطوح ملی، فراملی و مادون ملی توزیع می‌شود. تمرکز بر وظایف خاص به جای اهداف کلان است که امکان یک رویکرد مناسب‌تر را برای حکومت فراهم می‌کند. این رویکرد غیرمتمرکز امکان ارائه کارآمدتر خدمات به شهروندان از جمله مبارزه با قاچاق در سطوح مختلف را فراهم می‌کند.

حوزه‌های مربوط به وظایف خاص در حکمرانی چندسطحی، شامل حوزه‌های قدرت مستقل و متعددی است که وظایف متمایزی را انجام می‌دهند. این به ایجاد یک سیستم حکمرانی منجر می‌شود که در آن به هر شهروند نه توسط دولت، بلکه توسط بازیگران مختلف خدمات عمومی مختلف ارائه می‌شود (Daniell & Kay, 2018: 3). در این زمینه، وظایف خاص بین حوزه‌های قدرت تقسیم می‌شوند که هر کدام وظایف مجزایی را بر عهده دارند. این به سیستمی منجر می‌شود که در آن شهروندان خدمات عمومی را از بازیگران مختلف دریافت می‌کنند و نه صرفاً از دولت مرکزی. برای مثال جلوگیری از قاچاق ممکن است توسط نهادها یا صنایع جداگانه در بخش عمومی مدیریت شوند.

حکمرانی چندسطحی هزینه‌های هماهنگی بین قلمروهای قدرت را محدود می‌کند، اما این کار را با شیوه‌ای کاملاً متفاوت انجام می‌دهد، به گونه‌ای که خدمات عمومی را در تعداد زیادی از حوزه‌های قدرت مجزا پخش می‌کند. این حوزه‌های قدرت با یک طرح کلی مطابقت ندارند. در عوض، هر یک برای رفع مجموعه‌ای محدود از مشکلات مرتبط طراحی شده است (Börzel, 2020: 10). در نتیجه این نگرش باید گفت که با گسترش خدمات عمومی در حوزه‌های مختلف قدرت، زمان هماهنگی کم می‌شود، به این دلیل که هر سطح مسئول مشکلات خود است. با این نوع حکمرانی، سازگاری و انعطاف بیشتری در رسیدگی به مسائل خاص در سطوح مختلف امکان‌پذیر می‌شود.

با کوچک شدن دولت ملی در روند کار، فضا برای حکمرانی چندسطحی باز می‌شود. خصوصی‌سازی، برون‌سپاری، تمرکززدایی اداری و تغییر جهت از سیاست‌های توزیع مجدد و مدیریت اختیاری برای تنظیم بازار و دولت مرکزی همچنان از نظر کیفیت خدمات پاسخگوست (Hensengerth & Lu, 2019: 4). در این زمینه می‌توان گفت که دولت ملی در حکمرانی چندسطحی کوچک شده و اختیارات تصمیم‌گیری

بین سطوح مختلف دولت و بازیگران غیردولتی پراکنده می‌شود. خصوصی‌سازی و برون‌سپاری، مسئولیت‌هایی را که زمانی بر عهده دولت ملی بوده است، به نهادهای خصوصی یا غیردولتی منتقل می‌کند. همچنین با تمرکززدایی اداری اختیارات تصمیم‌گیری در سطوح پایین‌تر حکومت پراکنده شده و جنبه چندسطحی عیان می‌شود. به‌طور کلی، حکمرانی چندسطحی در نتیجه کاهش نقش‌آفرینی دولت ملی و اعطای قدرت تصمیم‌گیری به بازیگران غیردولتی، اجرا می‌شود.

۱.۳ ویژگی حکمرانی چندسطحی

با بررسی در حکمرانی چندسطحی به ویژگی‌های زیر دست یافته‌ایم:

۱. حوزه‌های قدرت با اختیارات در سطوح مختلف سازماندهی شده است (Brown, 2018: 32). می‌توان گفت که حکمرانی چندسطحی رویکردی فراگیرتر و مشارکتی را برای تصمیم‌گیری نشر می‌دهد، زیرا گستره وسیعی از ذی‌نفعان را در فرایند حکمرانی درگیر می‌کند. این رویکرد می‌تواند به نتایج پایدارتر و عادلانه‌تر برای جوامع منجر شود. برای مثال در یک سیستم حکمرانی چندسطحی، بازیگران محلی ممکن است بر موضوعاتی مانند مبارزه با قاچاق خرد در ناحیه خود اختیار داشته باشند، درحالی‌که دولت‌های ملی ممکن است بر حوزه‌های کلان مبارزه اختیار داشته باشند. سازمان‌های غیردولتی نیز نقش مهمی در اجرای سیاست‌ها در سطح محلی دارند و با همکاری سازمان‌های دولتی برای رفع نیازهای جامعه کار می‌کنند.

۲. خدمات عمومی باید توسط حوزه قدرت ارائه شود که به‌طور مؤثر مزایا و هزینه‌های آن را درونی می‌کند. در نتیجه این امر تشکیل حوزه‌های قدرت در مقیاس‌های مختلف است، چیزی شبیه یک کیک مرمیت (zen et al., 2019: 54). این ویژگی بیان می‌دارد که سطوح مختلف حکومت حوزه‌های اختیارات و مسئولیت‌های خاص خود را دارند. این رویکرد تصدیق می‌کند که مسائلی مانند قاچاق نیازمند همکاری و هماهنگی بین سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی دولت است تا به‌طور مؤثر مورد توجه قرار گیرد. تشبیه به کیک مرمیت به این اشاره دارد که سطوح مختلف قدرت و قدرت تصمیم‌گیری درهم‌تنیده شده‌اند. به این ترتیب حکمرانی سلسله‌مراتبی نیست، بلکه در سطوح مختلف به‌هم‌پیوسته است. هر سطح از حکمرانی حوزه قدرت و مسئولیت خاص خود را دارد. در این بین باید تصمیمات توسط افرادی اتخاذ شود که تخصص و منابع لازم را دارند تا به چالش‌های خاص نظیر مبارزه با قاچاق به‌طور مؤثر رسیدگی کنند.

۳. حوزه‌های قدرت برای پاسخگویی به تغییر ترجیحات شهروندان و الزامات عملکردی، انعطاف‌پذیر در نظر گرفته شده است. این ایده ریشه در این استدلال دارد که می‌گوید تحرک شهروندان در حوزه‌های

مختلف قدرت، شبیه به رقابت در بازار است که در آن نهادهای مختلف برای حمایت و مشارکت شهروندان با هم رقابت می‌کنند (Curaj et al., 2018: 45). در این زمینه باید گفت، نقش‌آفرینی شهروندان به‌عنوان سازوکاری برای پاسخگو نگه‌داشتن حوزه‌های قدرت و هدایت آنها به عملکرد مناسب مؤثر عمل می‌کند. این ویژگی بر ماهیت پویا و پاسخگوی حکمرانی چندسطحی و توانایی آن برای انطباق با شرایط متغیر و برآوردن نیازهای متنوع شهروندان تأکید می‌کند.

۴. حوزه‌های قدرت وظیفه‌محورند. عضویت در حوزه‌های قدرت مشروط و برون‌سازمانی است (Heinen et al., 2022: 5). این ویژگی بیان می‌دارد که یک سیستم حکمرانی چندسطحی، قدرت را بر اساس وظایف و مسئولیت‌های خاص به‌جای متمرکز شدن در یک سطح از حکومت توزیع می‌کند. بدان معنا که افراد ممکن است همزمان در چندین سطوح حکومتی مشارکت داشته باشند، زیرا نقش‌ها و مسئولیت‌های آنها ممکن است باهم تداخل پیدا کند یا تلاقی پیدا کند. علاوه بر این، متن پیشنهاد می‌کند که عضویت در حوزه‌های قدرت خاص دائمی نیست و ممکن است به عوامل خارجی یا روابط خارج از ساختار رسمی سازمانی بستگی داشته باشد. این امر ماهیت پیچیده و پویای حکمرانی چندسطحی را برجسته می‌کند، جایی که افراد و سازمان‌ها ممکن است روابط سیال و مشروط در ساختار قدرت داشته باشند.

۵. حوزه‌های قدرت اغلب با موانع کم برای ورود طراحی شده‌اند. حکمرانی چندسطحی نشان‌دهنده شیوه‌های بسیار متفاوتی برای سازمان‌هی زندگی سیاسی است (sheng et al., 2023: 4). این ویژگی بیان می‌دارد که در یک سیستم حکمرانی چندسطحی، افراد یا سازمان‌ها به‌راحتی می‌توانند در سطوح چندانکه حکمرانی شرکت کنند که به رقابت بین سطوح مختلف حکومت منجر شود. حکمرانی چندسطحی نشان‌دهنده راه‌های مختلف سازمان‌دهی زندگی سیاسی است که نشان می‌دهد رویکردهای مختلفی برای توزیع قدرت و مسئولیت‌ها در سطوح مختلف حکومت وجود دارد.

۶. حکمرانی چندسطحی در سطح محلی بیشترین شیوع را دارد (Börzel, 2020: 10). این رویکرد امکان یک فرایند تصمیم‌گیری فراگیرتر و مشارکتی را فراهم می‌کند، زیرا نیازها و دیدگاه‌های متنوع جامعه محلی را در نظر می‌گیرد. همچنین به انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتر در پرداختن به مسائل و چالش‌های محلی اجازه می‌دهد. به‌طور کلی، حکمرانی چندسطحی در سطح محلی با درگیر کردن بازیگران مختلف در فرایند تصمیم‌گیری، هدف آن ارتقای حکمرانی مؤثر و کارآمد است.

۷. بازیگران در حکمرانی چندسطحی دارای صلاحیت‌های خاص هستند. در حوزه‌های متعدد و مستقل وظایف متفاوتی را انجام می‌دهند (Daniell & Kay, 2018: 3). در حکمرانی چندسطحی، سطوح مختلف دولتی و سازمان‌های غیردولتی دارای حوزه‌های مسئولیت و تخصص خاصی‌اند. بدان معنا که بازیگران مختلف وظایف متفاوتی را در حوزه‌های مربوطه خود انجام می‌دهند که امکان رویکردی کارآمدتر و تخصصی‌تر به حکومت را فراهم می‌کند. برای مثال دولت‌های محلی ممکن است قاچاق

محلی تخصص داشته باشند، درحالی که دولت‌های ملی ممکن است بر سیاست‌ها و مقررات گسترده‌تر تمرکز کنند. این تقسیم وظایف تضمین می‌کند که هر سطح از حکومت می‌تواند بر مسئولیت‌های خاص خود تمرکز کند و به تصمیم‌گیری و اجرای مؤثرتر و هدفمندتر منجر شود.

۸. حکمرانی چندسطحی سلسله‌مراتبی کمتری دارد (Daniell & Kay, 2018: 3). در این زمینه این نوع حکمرانی به شکل غیرمتمرکزتر و مشارکتی‌تری از حکومت منتهی می‌شود که در آن بازیگران مختلف حوزه‌های تخصصی و مسئولیت‌پذیری خاصی داشته باشند.

۴. روش تحقیق

در بررسی «تحلیل و نقد رویکرد موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز در پرتو حکمرانی چندسطحی»، از روش تحلیل مضمون‌ها استفاده شده است. جامعه آماری مورد بررسی این پژوهش، مدیران متخصص دستگاه‌های درگیر و کاشف قاچاق و فرماندهان ارشد پلیس، کارشناسان در حوزه قاچاق در سازمان‌ها و دستگاه‌های درگیر در قاچاق، معاونان قاچاق در تعزیرات حکومتی‌اند که در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز دارای اطلاعات و تجربه ارزشمندی هستند، در نتیجه جمعی از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب و نتایج آن به جامعه مورد بررسی تعمیم داده شد. نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند و به روش گلوله‌برفی خواهد بود. در واقع نمونه‌گیری هدفمند که به آن نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدفدار یا کیفی نیز می‌گویند، به معنای انتخاب هدفدار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. به‌عبارت دیگر منطق و قدرت این نوع از انتخاب به این مفهوم بازمی‌گردد که نمونه‌های انتخاب‌شده بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سؤال پژوهش فراهم آورند. از این‌رو این نوع نمونه‌گیری شامل انتخاب واحدهای مورد پژوهش بر اساس اهداف پژوهش است و در این پژوهش نیز این منطق برای انتخاب نمونه‌ها به کار گرفته خواهد شد و پس از هر مصاحبه با توجه به تحلیل متن مصاحبه و هدف پژوهش، نمونه بعدی انتخاب خواهد شد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش میدانی - کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز شامل مصاحبه، گردآوری منابع، فیش‌برداری و نکته‌برداری از آنها، استفاده از شبکه جهانی اینترنت در بررسی منابع و مقالات موجود است. در بخش میدانی پژوهش، از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌های انتخاب‌شده، از طریق سؤال درباره تجارب مشارکت‌کنندگان در خصوص مؤلفه‌های موجود در حکمرانی مبارزه با قاچاق کالا و ارز استفاده خواهد شد. در این تحقیق، از روش تحلیل متن و محتوا از نوع «شبکه مضمونی» که توسط «آتراید- استپرلینگ» معرفی شده است، استفاده خواهد شد. در این روش تلاش می‌شود از متن به مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر دست یافت؛ بنابراین ابتدا تحلیل متن تمامی مصاحبه‌ها و استخراج مضامین پایه و به‌عبارتی تحویل متن انجام خواهد شد. سپس نحوه انتزاعی سازی و استخراج مضامین سازمان‌دهنده و در انتها نیز کشف و توصیف شبکه مضامین عوامل حکمرانی مرتبط با مبارزه با

قاچاق کالا و ارز صورت خواهد گرفت. بنابراین، در این پژوهش از روش تحلیل ظاهری و محتوایی کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها و مضامین، استفاده شده است. در واقع با مشاهده مستندات و مدارک مربوطه و دریافت داده‌های اولیه، مستندات، ثبت و نتایج مصاحبه‌ها ارزیابی و تحلیل دقیق و منظم می‌شود و با بهره‌گیری از روش کیفی به تبیین اهداف و سؤالات پرداخته می‌شود. برای تعیین روایی پژوهش، ابزار تحقیق توسط چند تن از نخبگان در زمینه پیامدهای امنیتی و انتظامی تأیید شد و برای بررسی قابلیت اعتماد پژوهش‌های کیفی، راهبردهای متعددی وجود دارد که در اینجا از راهبرد تأیید داده‌ها توسط نخبگان، برای قابلیت اعتماد استفاده شده است. بدین صورت که پس از استخراج مفاهیم و مضمون‌ها و ترسیم شبکه مضامین بین آنها، با ارسال نتایج به چند تن از نخبگان، از آنها درخواست شد تا درستی فهم پژوهشگر از داده‌ها را تأیید کنند. هدف از این کار اطمینان پژوهشگر از تحلیل درست و طبقه‌بندی مناسب داده‌هاست.

جدول ۱. خلاصه ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان

متغیر	طبقه‌بندی متغیر	فراوانی (نفر)	درصد
جنسیت	مرد	۱۴	۱۰۰
	زن	۰	۰
تخصص/شغل	انتظامی	۳	۲۲
	حقوقی	۲	۱۴
	کارشناس	۶	۴۳
	مدیر	۳	۲۱
تحصیلات	کارشناسی	۴	۲۹
	کارشناسی ارشد	۱۰	۷۱
	دکتری تخصصی	۰	۰
سابقه کار	۵-۱	۲	۱۵
	۱۰-۶	۱	۱۴
	۱۵-۱۱	۴	۲۶
	۲۰-۱۶	۳	۱۹
	۳۰-۲۱	۴	۲۶

۵. یافته‌های مربوط به راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها و همچنین رویکرد چندسطحی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز به سه سطح اصلی مادون ملی، ملی و فراملی، در نهایت، برای هر کدام از این سطوح، راهکارهایی ارائه شد که در ادامه بیان می‌شود. برخی از موارد نیز به‌علت اهمیت زیاد، هم به‌صورت کلی و

هم در ابعاد کوچک‌تری مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۵.۱. مؤلفه‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز

با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشخص شد که در جدول ۲ قابل مشاهده است. این مؤلفه‌ها در چند دسته از مضامین دسته‌بندی شده‌اند. در این موارد مؤلفه قانون و الکترونیکی و عملیاتی بیش از سایر مؤلفه‌ها دارای عناوین هستند. در این جدول مشاهده می‌کنیم که عوامل اغلب مربوط به قوانین مربوط به قاچاق کالا و ارز، سامانه‌های موجود، آگاه‌سازی و افزایش سواد رسانه‌ای خانواده‌ها و آموزش و آگاهی‌رسانی است.

جدول ۲. مؤلفه‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز

مضامین فراگیر	مؤلفه‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز	فراوانی
قانون	قانون قاچاق کالا و ارز	۱۲
قانون	قانون گمرک	۳
قانون	آیین‌نامه‌های مربوطه	۵
قانون	فرمان مقام معظم رهبری	۵
قانون	ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز	۴
قانون	کمیسیون‌های برنامه‌ریزی و هماهنگی و نظارت در استان	۲
قانون	قانون مقررات صادرات و واردات	۱
قانون	قانون صنفی	۲
الکترونیکی	سامانه شرکت پخش	۱
الکترونیکی	سامانه غذا و دارو	۱
الکترونیکی	سامانه گمرک	۲
الکترونیکی	سامانه وزارت صمت	۱
الکترونیکی	سامانه تعزیرات	۲
الکترونیکی	سامانه وزارت جهاد	۱
الکترونیکی	سامانه پلیس	۳
عملیاتی	نظارت و بازرسی دستگاه‌ها	۵
عملیاتی	کنترل مبادی ورودی و خروجی	۶
عملیاتی	پلمپ و تذکر امکان تجاری	۲
عملیاتی	تجهیز جاده‌ها و اماکن مرزی به دوربین	۳
عملیاتی	اجرای عملیات پلیسی	۴
عملیاتی	استفاده از اطلاعات مردمی	۲
فرهنگ‌سازی	عدم قاچاق	۳

مضامین فراگیر	مؤلفه‌های موجود در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز	فراوانی
فرهنگ‌سازی	عدم خرید کالای قاچاق	۵
فرهنگ‌سازی	آگاه‌سازی مردم	۶
اقتصادی	احساس امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان	۲
اقتصادی	استفاده مالی از فروش کشفیات قاچاق	۵
قضایی	تجزیرات	۴
قضایی	دادسراها و دادگاه‌ها	۶

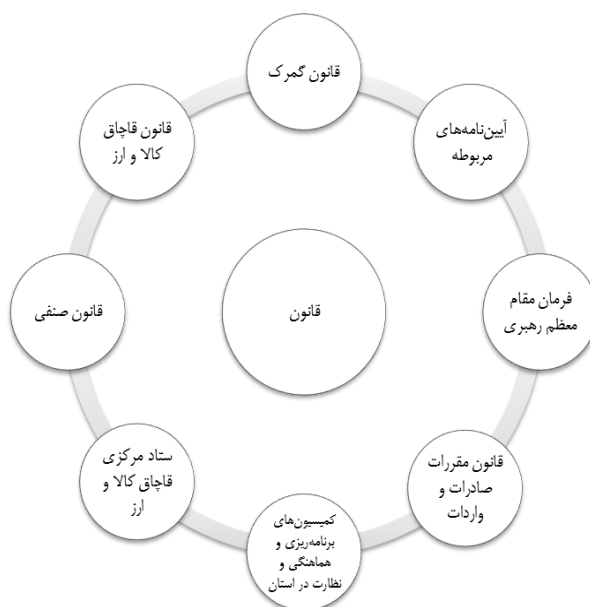
بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که مؤلفه‌های مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دارای ۲۸ مورد و در ۶ قالب مضمون فراگیرند. مجموعه‌ای متنوع از مؤلفه‌ها در پنج دسته الکترونیکی، قانون، عملیاتی، فرهنگ‌سازی، اقتصادی جای می‌گیرند. با وجود تنوع در مؤلفه‌ها، مشاهده می‌شود که عمده مؤلفه‌ها، مربوط به دو نوع از مضمون‌های الکترونیکی و قانون است. در ادامه، هریک از مضامین مربوط به مؤلفه‌های حکمرانی، در قالب شکل‌های ذیل قابل مشاهده‌اند:



شکل ۱. مضامین پایه مربوط به مضمون فراگیر الکترونیکی

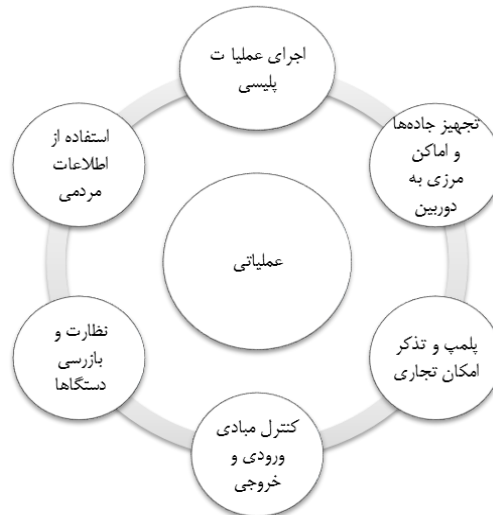
بر اساس این مضمون بیشتر دستگاه‌های مؤثر در مبارزه با قاچاق کالا و ارز دارای یک سامانه برای

ثبت و ضبط کالاها و ارز ورودی به کشور هستند و برای رصد مصرف کالا و ارز واردشده در کشور است.

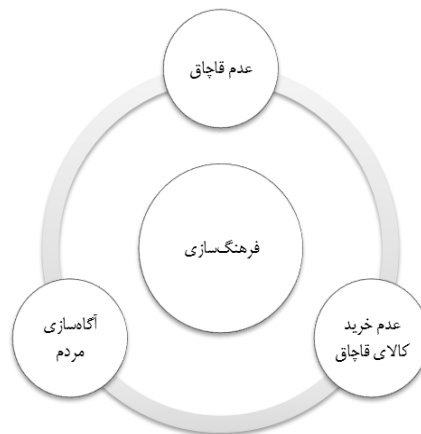


شکل ۲. مضامین پایه‌ی مربوط به مضمون فراگیر قانون

بر اساس این مضمون مؤلفه قانون در مبارزه قاچاق کالا و ارز نقش اساسی دارد. در این زمینه فرمان مقام معظم رهبری و قوانینی نظیر قانون قاچاق کالا و ارز، قانون گمرک نقش پررنگ‌تری دارند.

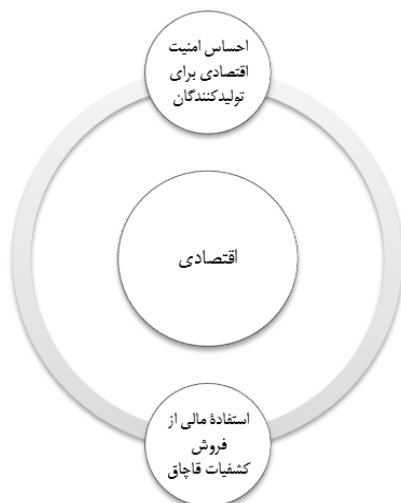


شکل ۳. مضامین پایه مربوط به مضمون فراگیر عملیاتی در حال حاضر عملیات اجرای نظیر کنترل مبادی ورودی و خروجی، عملیات پلیسی و نظارت و بازرسی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز مؤثر است.



شکل ۴. مضامین پایه مربوط به مضمون فراگیر فرهنگسازی

در زمینه فرهنگسازی، عدم خرید جنس قاچاق و عدم گرایش به سوی قاچاق، آگاهسازی‌هایی انجام شده است که با توجه به حجم قاچاق صورت گرفته در کشور چندان درخور توجه نیست.



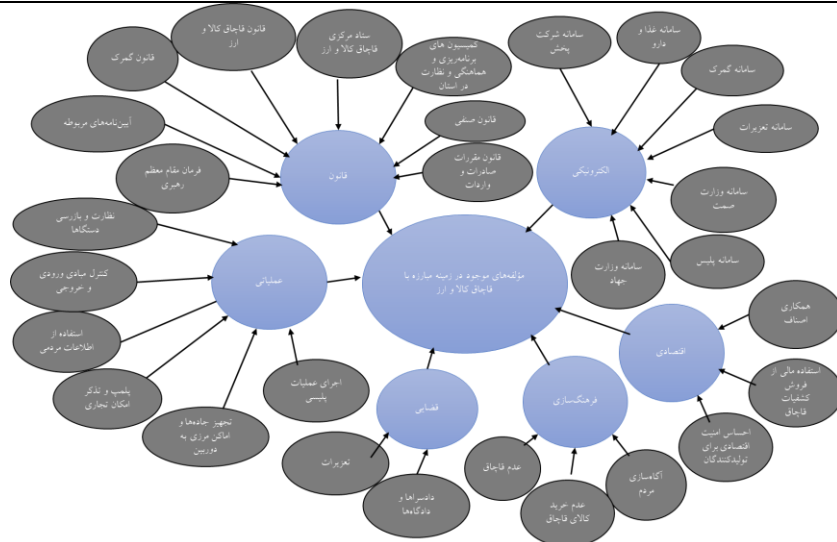
شکل ۵. مضامین پایه مربوط به مضمون فراگیر اقتصادی

در مضمون اقتصادی، تمرکز بر روی استفاده مالی از کالا و ارزش کشف شده و همچنین احساس امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان به سبب برخورد با قاچاق قرار دارد.



شکل ۶. مضامین پایه مربوط به مضمون فراگیر قضایی

در زمینه قضایی، بهره‌گیری از ظرفیت تعزیرات حکومتی در قاچاق خرد و دادگاه‌ها و دادسراها در زمینه قاچاق حرفه‌ای مورد توجه است.



شکل ۷. شبکه مضامین

با توجه به اینکه این مضامین ایجادشده توسط قوانین و مقررات بالادستی است، در این زمینه به تحلیل و نقد قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق پرداخته می‌شود.

نظام مبارزه با قاچاق کالا و ارز طی سال‌ها، با اهمیتی که به جلوگیری از قاچاق کالا و ارز به کشور داده، سازمان‌های دولتی مسئول را تشویق کرده است تا در مشورت در خصوص تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت کنند. از جمله برنامه‌ریزی راهبردی، ایجاد نظم و انضباط، ایجاد محیط حرفه‌ای و اقدامات اصلاحی عمده به منظور دستیابی به هدف تبدیل شدن به یک نظام کارآمد و سطح بالا در فرایند مبارزه با قاچاق انجام داده است.

ستاد ملی مبارزه با قاچاق کالا در ایران به نوعی مسئول اصلی نظارت و اجرای مبارزه است. ستاد ملی مقررات و سیاست‌های حاکم بر چگونگی مبارزه را تصویب می‌کند. این ستاد در زمینه استفاده از اموال، توسعه امکانات و مدیریت مالی و منابع انسانی اختیار دارد. همچنین دارای کارگروه‌هایی است که به منظور هماهنگی و نظارت بر اجرای وظایف مندرج در قانون، ستاد می‌تواند حسب مورد کارگروه‌های کارشناسی مانند کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز متشکل از نمایندگان دستگاه‌های عضو ستاد تشکیل دهد.

در حال حاضر، بر اساس قانون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۲۵ عضو حقوقی و حقیقی دارد که همه آنها دارای حق رأی هستند. به بیان ساده، ستاد نهاد حاکم بر امر مبارزه با قاچاق است. نقش آنها در حکمرانی وظایف و مسئولیت‌های زیادی را در برمی‌گیرد. ستاد مسئول برنامه‌ریزی راهبردی است که مسئولیت اجرای برنامه‌های بلندمدت امر مبارزه را بر عهده دارد. با توجه به ماده ۳ قانون مبارزه

با قاچاق کالا^۱ که به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز اشاره دارد، اگرچه با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی چندسطحی این ستاد باید در مقیاس محلی باشد و دیگر نیاز به تمرکز نیست، با این حال در اعضای این ستاد هم از مقامات غیررسمی و محلی و انجمن‌ها خبری نیست. همچنین در اعضای این قانون نبود نماینده از انجمن‌ها و شخصیت‌های معتمد و مذهبی به چشم می‌خورد که خود بیان‌گر عدم توجه به جامعه مدنی به عنوان هدف جلوگیری از قاچاق است و عدم انتخابی بودن اعضا را می‌توان از مضرات این قانون دانست. در قانون بیشتر اختیارات ستاد در حیطه مسائل کلان قرار داده شده است.

در زمینه اقدامات فراملی هم در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ماده قانونی وجود ندارد که این نقیصه هم باید برطرف شود. در فصل هفتم قانون مبارزه با قاچاق کالا ماده ۳۶ به امر کشف کالای قاچاق پرداخته و این وظیفه را به سازمان‌های رسمی و دولتی محصور داشته است. با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی چندسطحی این امر را می‌توان بر عهده سازمان‌های غیررسمی، غیردولتی، نهادهای مدنی، اصناف، صنایع و افراد معتمد و مذهبی قرار داد.

در قانون مبارزه با قاچاق آمده است که ستاد مسئول تدوین و تصویب رسالت، اهداف و مقاصد راهبردی و تعیین خط‌مشی‌های مربوط به برنامه‌ها و خدمات و پیشگیری و اجرای امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که اشاره کلی به تعیین سیاست‌ها در سطح ملی می‌کند که همه سطوح دیگر باید از آن تبعیت کنند که این سبب ناکارایی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شود، زیرا هر منطقه به فراخور خصوصیات محلی خود دارای راهبردهای متفاوت است و از این نظر باید قانون اصلاح شود.

در این قانون، بودجه ستاد وابسته به بودجه کشور است که خود سبب عدم استقلال ستاد و همچنین به دلیل نظارت ناکافی بر مصرف آن و مدلی که مصرف بودجه را ردیابی کند، سبب هدر رفتن بودجه و ناکارایی آن و نتیجه‌بخش نبودن برای جامعه می‌شود. اگر در این زمینه بتوان بودجه ستاد را در منابعی نظیر انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی، صنایع، کارخانه‌های صنعتی تأمین کرد که خود آنها به نحوه مصرف و نتیجه‌بخش بودن آن بپردازند، می‌توان انتظار رشد و بهبود امر مبارزه از نظر اقتصادی داشت.

با توجه به ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا که به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز اشاره دارد، اگرچه با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی چندسطحی این ستاد باید در مقیاس محلی باشد و دیگر نیاز به تمرکز نیست، با این حال در اعضای این ستاد هم از مقامات غیررسمی و محلی و انجمن‌ها خبری نیست. هرچند در تبصره این ماده هم از ستاد استانی با ریاست استاندار نام برده است، اما این ستاد و اعضای آن نیز باید متناظر با ستاد مرکزی باشند که این خود با حکمرانی چندسطحی فاصله دارد. در زمینه اقدامات فراملی هم در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ماده قانونی وجود ندارد که این نقیصه هم

۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا-۱۳۹۲

باید برطرف شود. در فصل هفتم قانون مبارزه با قاچاق کالا ماده ۳۶ به امر کشف کالای قاچاق پرداخته و این وظیفه را به سازمان‌های رسمی و دولتی محصور داشته است. با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی چندسطحی این امر را می‌توان بر عهده سازمان‌های غیررسمی و نهادهای مدنی و شهروندان قرار داد. در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمان کاشف سازمانی است که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به عهده دارد که در قانون بیشتر از سازمان‌های دولتی نام برده شده است. با توجه به الگوی حکمرانی چندسطحی می‌توان دایره سازمان‌های کاشف را افزایش داد و آن را به انجمن‌های مدنی، مؤسسات غیردولتی، اصناف، اشخاص معتمد و مذهبی محلی سپرد که خود سبب افزایش کشفیات قاچاق و همچنین تأثیرگذاری این‌گونه از بازیگران بر سطح جامعه قاچاقچی از بعد فرهنگی می‌شود.

در بندهای ماده ۱ قانون تعزیرات آیین‌نامه اجرای قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی^۱ در خصوص قاچاق کالا و ارز از کاشف و مخبر و عوامل ستادی و عوامل اطلاعاتی نام برده شده که متأسفانه مشخص نشده است که این عوامل از چه ارگان یا سازمانی هستند، اما به نظر می‌رسد از نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات و این قبیل ارگان‌های دولتی‌اند که این خود نیز سبب تنگ‌تر شدن دایره کشف کالا و ارز قاچاق می‌شود، چون استفاده از نیروهای مردمی انجمن‌ها، اصناف شهرداری‌ها، صراف‌ها، معتمدان محلی و استفاده از جایگاه اشخاص مذهبی و مساجد می‌تواند در این امر کمک کند.

در ماده ۴۶ بند ب- قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور^۲ دولت موظف است در جهت تأمین نظم و امنیت پایدار در کشور اقدامات زیر را به عمل آورد: ۱. ۳. ۵. امنیت مرز با ایجاد واحدها و تشکل‌های مردم‌نهاد به منظور توسعه مشارکت مرزنشینان در تأمین امنیت مرزها با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط و افزایش قابلیت‌های تعاملات فراملی با توسعه دیپلماسی. در این مورد امنیت مرزها را به تشکل‌های مردم‌نهاد واگذار کرده است که این خود نشان از حرکت به سمت استفاده از مردم محلی در ایجاد امنیت در مرزها و حتی ورود کالا و ارز قاچاق به کشور هستیم. ولی جای خالی شرکت و مشارکت اصناف و انجمن‌های مدنی و دیگر بازیگران در این طرح و شرکت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و اجرای آن خالی است. حتی استفاده از اصناف و انجمن‌ها و سازمان‌های فراملی نیز به مبارز با قاچاق کالا و ارز کمک شایانی خواهد کرد.

در بندهای ۶ و ۸ سیاست‌های کلی امنیت ملی^۳ (امنیت داخلی)، پیشگیری و برخورد قاطع و به‌هنگام

۱. مصوب ۱۳۷۹

۱. مصوب ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی

۲. ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۸۰

با جرائم سازمان یافته و نیز کنترل همه جانبه و تأمین کامل امنیت مرزها با روش های نوین و بهره گیری از تمامی ظرفیت های سیاسی، انتظامی، اطلاعاتی و فنی را ذکر کرده شده است. این دو بند را می توان به قاچاق کالا و ارز که خود را در جرائم سازمان یافته نمایان می کند سرایت داد، اما باید به جای خالی استفاده از بازیگران محلی و انجمن های مدنی، اصناف، صنایع سازمان های غیردولتی و شهرداری ها اشاره کرد که استفاده از این بازیگران در صحنه مبارزه علیه امنیت اقتصادی که جزئی از امنیت داخلی کشور هم محسوب می شود، سبب ارتقا و بهبود عملکرد در حوزه سیاست گذاری از حیث استفاده از این بازیگران در جلسات تصمیم گیری و نیز در صحنه عملیاتی و کشف کالا و ارز قاچاق می شود.

در بهمن ماه ۱۴۰۰ دستورالعمل پیشگیری و مقابله با قاچاق^۱ کالا توسط رئیس جمهور ابلاغ شد. در مورد اول این دستورالعمل بیان شده است که «وزارت کشور با فوریت نسبت به فعال کردن و ساماندهی بازارچه های مرزی به منظور تبادل قانونمند و ضابطه مند کالا در این اماکن اقدام و بر نحوه فعالیت آنها نظارت نماید». می توان با توجه به حکمرانی چندسطحی ساماندهی بازارچه ها را به بازیگران محلی و اصناف و صنایع سپرد. این کار سبب تسریع در کار و همچنین عدم اعمال نفوذهای دولتی در آن می شود. حتی می توان نظارت بر آن را به شوراهای محلی، معتمدان سپرد.

در مورد دوم این دستورالعمل بیان شده است «سازمان مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی با تدوین برنامه جامع و عملیاتی کردن آن حداکثر در مدت یک ماه با رویکرد پیشگیری از ورود کالای قاچاق از این مناطق به سرزمین اصلی اقدام نماید». با توجه به این بند سازمان مناطق اقتصادی - تجاری و ویژه اقتصادی نیز در مقوله قاچاق کالا و ارز هم از مباحث مهم است که تاکنون کارهای انجام شده در خصوص این موضوع در این مناطق کارساز نبوده است. در ماده ۹ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران^۲ ورود کالا به صورت مسافری به هر میزان از منطقه به سایر نقاط کشور ممنوع است. این ماده به نوعی به جلوگیری از قاچاق شدن کالاها اشاره دارد، ولی به چگونگی کنترل آن و نظارت بر آن نپرداخته است. با این حال اگر مطابق با رویکرد فعلی در کشور و با استفاده از ارگان های دولتی و انتظامی، اقدامی انجام شود، میزان قاچاق کاهشی نمی گردد. اگر بخواهیم بر اساس حکمرانی چندسطحی عمل کنیم، باید بازیگران مختلف از جمله اصناف، صنایع، انجمن های مدنی را به کار گرفت. تا هنگامی که طبق ماده ۳ که بودجه این سازمان ها از بودجه ملی است، نمی توان انتظار داشت عملکرد مسئولان این حوزه در مبارزه با قاچاق بهینه و مطلوب باشد، چون هیچ وابستگی به این بودجه و نحوه عملکرد مسئولان وجود ندارد. اگر بر اساس حکمرانی چندسطحی بتوان بودجه این

۳. مصوب ۱۴۰۰

۱. مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۴

سازمان‌ها را وابسته به منابع غیرملی کرد یا میزان اختصاص بودجه به میزان عملکرد بستگی داشته باشد، شاهد عملکرد و بهبود مبارزه با قاچاق خواهیم بود.

در کل در سازمان‌های مناطق اقتصادی - تجاری عدم حضور نمایندگان اصناف، پلیس، صنایع، شهرداری، معتمدان، انجمن‌های مدنی، در مدیریت و هیأت مدیره سازمان را می‌توان از لطامات این حوزه به راه‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانست. در هر صورت استفاده از بازیگران دولتی به تک‌بعدی کردن مبارزه می‌انجامد. درحالی‌که استفاده از ظرفیت بازیگران دیگر بیرون از حوزه دولتی می‌تواند سبب مبارزه همه‌جانبه و فراگیر در این راستا شود.

در مورد سوم بیان شده است «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با همکاری وزارت کشور ظرف حداکثر یک ماه نسبت به تدوین دستورالعمل ساماندهی کالای ملوانی و کول بری اقدام به‌گونه‌ای که اشخاص مجاز، نوع و میزان کالا، تعداد دفعات و ضوابط و مقررات حاکم بر این موضوع شفاف و عملیاتی گردد». در راستای اجرایی کردن این بند و با رویکرد حکمرانی چندسطحی می‌توان ارتباط با اصناف و صنایع را در جهت تعیین نوع و میزان کالا برقرار کرد تا از ورود اجناس داخلی مشابه یا کالاهایی که امکان ساخت در داخل دارند، جلوگیری شود. همچنین تعیین اشخاص مجاز برای واردات و صادرات توسط شوراهای اصناف، انجمن‌های مدنی صورت بگیرد.

در مورد پنجم اشاره به این دارد که «کلیه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی موظف‌اند با به‌کارگیری تمامی توان و ظرفیت‌های موجود و همکاری و هم‌افزایی بین بخشی سرشاخه‌ها و عوامل فعال در حوزه قاچاق به‌ویژه قاچاق سازمان‌یافته را شناسایی و به مراجع ذیصلاح معرفی نمایند» که بر اساس این مورد دستگاه‌ها می‌توانند با استفاده از ظرفیت بازیگران محلی، اصناف، معتمدان، مشاغل درگیر در فرایند جابه‌جایی کالا نظیر حمل‌ونقل به شناسایی و رهگیری قاچاقچیان و کالا و ارز قاچاق پردازند. حتی می‌توان از بازیگران فراملی نیز در به‌دست آوردن اطلاعات کمک گرفت.

مورد ششم این دستورالعمل به این صورت است که «سازمان تعزیرات حکومتی و دیگر نهادهای مسئول با دقت، فوریت و بدون اغماض و با کمک ضابطان قضایی، احکام صادره را با رویکرد ضربه زدن به منابع مالی شبکه‌های قاچاق اجرا نمایند». در این زمینه می‌توان به پول‌شویی اشاره کرد، زیرا پول‌شویی بخش مهمی از مدل کسب‌وکار تقریباً همه سازمان‌های جنایی از جمله حلقه‌های قاچاق است و ردیابی جریان‌های مالی غیرقانونی می‌تواند راه مؤثری برای ایجاد اختلال در فعالیت‌های آنها باشد. کشور باید توجه خود را به سمت بررسی نکات پول‌شویی به‌عنوان راهی برای شناسایی و محاکمه سازمان‌های بالقوه درگیر در قاچاق معطوف کند. داده‌های مالی در مورد پول‌شویی مرتبط با قاچاق کالا و ارز می‌تواند به‌عنوان شواهد تأییدکننده مهمی در تحقیقاتی باشد. رصد نقل و انتقالات بانکی مسئولان درگیر در قاچاق و نزدیکان آنها می‌تواند تأثیر بازدارنده داشته باشد. مؤسسات مالی می‌توانند با عدم امکان

ارائه خدمات مالی به اصناف و اشخاصی که سابقه فروش قاچاق دارند، به جلوگیری از قاچاق کمک کنند. در این فرایند می‌توان از سازمان‌های مالی فراملی کمک گرفت.

در مورد هفتم این دستورالعمل ذکر شده است که «پیرو اعلام قبلی در خصوص تعیین تکلیف کالاهای موجود در انبارهای سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و گمرکات کشور، ضمن تشکر از اقدامات انجام‌شده توسط سازمان مذکور، دادگستری‌ها و سازمان تعزیرات حکومتی، پیگیری‌های لازم در جهت تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف پرونده‌ها و اموال باقیمانده از طریق سازمان تعزیرات حکومتی و دادگستری‌ها به عمل آید». با رویکرد به حکمرانی چندسطحی و گسترش اختیارات به بازیگران محلی می‌توان این اموال را به تعاونی‌ها و اصناف و انجمن‌های مدنی سپرد تا خود بازار مصرف وارد کنند تا از هرگونه فساد جلوگیری کرد.

در دستور هشتم «وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی، اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و بانک‌های عامل و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط باید در صدور مجوز برای واردات قانونی کالاهای مجاز و تأمین ارز و تسهیلات مورد نیاز، با رعایت دقت لازم در ضوابط و مقررات قانونی، امور مربوط را سریعاً به انجام رسانده تا از رسوب بی‌جهت کالا در گمرک و متروکه شدن این قبیل کالاها اجتناب شود». می‌توان با ایجاد سامانه برای شرکت اصناف در راستای تعیین کالاهای مجازی که مشابه داخلی ندارند یا امکان تولید ندارند، از ورود کالاهای غیرضروری جلوگیری کرد. مورد پایانی این دستورالعمل نظارت بر آن را به معاون اول رئیس‌جمهور و دستگاه‌های نظارتی حسب مورد واگذار کرده است. بر اساس حکمرانی چندسطحی که بر رویکرد واگذاری اختیارات و شرکت بازیگران محلی و سطح مادون ملی تمرکز دارد، می‌توان این نظارت را به بازیگران محلی اصناف، شهرداری‌ها، شوراها، انجمن‌های مدنی و ... تعمیم داد.

۴. نتیجه

همان‌طور که در یافته‌های مربوط به این تحقیق مشاهده کردیم، آنچه از آن به‌عنوان مبارزه با قاچاق کالا و ارز نام می‌بریم، به سطوح متعددی اختصاص دارد و صرف توجه بر یک زمینه خاص، این مهم را محقق نمی‌سازد. تأکید مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع، چه به‌صراحت چه در کمیت و کیفیت راهکارهایی که از خود ارائه دادند، دال بر صحت این مطلب است. بر اساس اطلاعات مصاحبه‌شوندگان این رویکرد دارای نقاط ضعفی از جمله پاسخگویی کند به نیازهای جامعه، عدم قطعیت مالی، عدم تطابق بین انتظارات اجرایی و پشتیبانی، عدم حضور قوی و فراگیر در جامعه بیرونی، سردرگمی فرایندهای مبارزه، ناتوانی در پاسخگویی به جامعه صنعتی، عدم حمایت فعال مدنی، عدم مشارکت‌های فعال با سایر انجمن‌های مدنی، اتحادیه‌ها و شرکت‌ها در سطح فراملی، عدم مشارکت استادان دانشگاهی و عدم برنامه‌های رهبری مدنی است. در کلیت

مطالب می‌توان گفت رویکرد فعلی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قوانین و مقررات به صورت متمرکز اجرایی می‌شود. منطق اساسی این راهبردهای بازدارنده متمرکز بر ضد قاچاق که به طور فزاینده‌ای در ایران رایج است، این است که مداخلات به صورت متمرکز اثربخشی بیشتری دارد و تصمیمات گرفته شده در آن از پشتوانه عملیاتی بهتری برخوردار است. این نوع مدل تمرکزگرایی فعلی شاید برگرفته از نظام سیاسی فعلی کشور که بر تمرکزگرایی صرف در مسائل حکمرانی و سیاسی تکیه دارد باشد؛ اما در عمل کارایی خود را نتوانسته است نشان دهد، زیرا در ماده ۴۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور موارد مرتبط با قانون برنامه پنج‌ساله ششم و موارد مرتبط با قانون بودجه سال ۱۳۹۷ در بند «ج» به این مسئله اشاره کرده است که دولت با همکاری سایر قوا و دستگاه‌ها به کاهش هر سال ۱۰ درصدی قاچاق اقدام کند؛ اما بر اساس آمارهای ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز حجم قاچاق در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال‌های پس از خود افزایش داشته است که این خود نارسایی این مدل مبارزه با قاچاق را می‌رساند.

در این میان در سه حوزه تقنینی، قضایی و اداری پیشنهادهایی داده می‌شود تا در راه مبارزه با قاچاق کالا و ارز به کار گرفته شود:

الف) تقنینی

۱. اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جهت عضویت بازیگران مختلف از جمله انجمن‌های مدنی، نماینده تولیدکنندگان و صنایع، شهرداری‌ها و معتمدان؛
۳. اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جهت دخیل کردن بازیگران از جمله انجمن‌های مدنی، مؤسسات غیردولتی، اصناف، اشخاص معتمد و مذهبی محلی در جهت گزارش و کشف قاچاق؛
۴. ایجاد قانون در جهت حمایت قانونی از بازیگران مختلف از جمله انجمن‌های مدنی، کنشگران اجتماعی در مقابل افشای قاچاق و اسناد و مدارک آن؛
۵. ایجاد قانون در جهت استفاده از بازیگران مختلف از جمله شهرداری‌ها، اصناف، صنایع، معتمدان و انجمن‌های مدنی در جهت تأمین امنیت مرزها و همچنین الزام به همکاری با بازیگران متناظر فراملی؛
۶. ایجاد قانون در جهت سپردن نظارت بر بازارچه‌های مرزی به شهرداری‌ها، اصناف، صنایع، انجمن‌های مدنی و معتمدان؛
۷. اجرای قوانین جدید که کسب‌وکارها را ملزم کند تا پیشینه تأمین‌کنندگان خود را به طور کامل بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود که آنها در فعالیتهای قاچاق دخالت ندارند. این امر به جلوگیری از ورود کالا و ارز قاچاق از طریق مجاری قانونی کمک می‌کند؛
۸. ایجاد کارگروه حکمرانی داری چندسطحی که بر هماهنگی تلاش‌ها بین بازیگران محلی و ملی برای مبارزه با قاچاق تمرکز دارد. این کارگروه می‌تواند روی توسعه و اجرای اقدامات قانونی جدید برای

رسیدگی مؤثر به این موضوع کار کند.

ب) قضایی

۱. ایجاد محاکم یا دادسراهای تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق با قضات و دادستان‌هایی که در این زمینه تخصص دارند. این امر تضمین می‌کند که پرونده‌ها به‌طور مؤثر رسیدگی می‌شوند و به اجرای عدالت سریع‌تر برای کسانی منجر می‌شود که در فعالیت‌های قاچاق دخیل‌اند؛
۲. همکاری با نهادهای قضایی بین‌المللی و سازمان‌های مجری قانون برای ردیابی و تعقیب افراد دخیل در فعالیت‌های قاچاق برون‌مرزی. این امر به مختل کردن شبکه‌های قاچاق و جلوگیری از عبور کالاها و ارز غیرقانونی از مرزها کمک می‌کند؛
۳. اعمال مجازات‌های سختگیرانه برای افراد و سازمان‌های مرتبط با فعالیت‌های قاچاق، از جمله جریمه‌های سنگین، مجازات تبعی، محرومیت از حقوق شهروندی. این به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کرده و مردم را از انجام چنین فعالیت‌های غیرقانونی منصرف می‌کند.
۴. استفاده از هیأت منصفه در دادگاه‌های مربوط به قاچاق، در جهت جلوگیری از فساد.

ج) اداری

۱. تقویت اقدامات کنترل مرزی، از جمله استفاده از فناوری پیشرفته مانند اسکنر و تجهیزات نظارتی برای کشف قاچاق کالا و ارز. این امر به جلوگیری از ورود اقلام غیرقانونی به کشور و اختلال در شبکه‌های قاچاق کمک می‌کند؛
۲. بهبود هماهنگی بین ادارات مختلف اداری مانند گمرک، مهاجرت و اجرای قانون برای به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد فعالیت‌های قاچاق. این به شناسایی الگوها و روندهای قاچاق کمک می‌کند و تلاش‌های اجرایی هدفمندتری را ممکن می‌سازد؛
۳. اجرای الزامات نظارت و گزارش دقیق برای مؤسسات مالی برای کشف و گزارش معاملات مشکوک مرتبط با قاچاق ارز. این امر به اختلال در جریان ارز غیرقانونی و جلوگیری از استفاده از آن برای فعالیت‌های غیرقانونی کمک می‌کند؛
۴. تعیین اشخاص مجاز برای صادرات و واردات با همکاری اصناف و صنایع؛
۵. تغییر در تأمین بودجه ستاد و ستادهای محلی از طریق تأمین از منابع پایدار نظیر اصناف و صنایع که خود آنها در مصرف و اثربخشی بودجه نیز مشارکت کنند.
۶. گرایش به خصوصی‌سازی که می‌تواند به افزایش رقابت و کارایی در صنایع منجر شود و کار را برای قاچاقچیان سخت‌تر کند؛
۷. تنظیم بازار می‌تواند به ایجاد محیط تجاری منصفانه و شفاف کمک کند و فرار از کشف را برای

قاچاقچیان دشوارتر سازد؛

۸. تمرکززدایی اداری می‌تواند در مبارزه با قاچاق مهم باشد. با تمرکززدایی فرایندهای اداری، مقامات محلی در جهت نظارت و کنترل جابه‌جایی کالا و ارز کارآمدتر می‌شوند و کار قاچاقچیان در مناطق مختلف را دشوارتر می‌کنند؛

۹. ایجاد همکاری و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات بین سطوح؛

۱۰. رهگیری نقل و انتقالات بانکی مسئولان درگیر در قاچاق و نزدیکان آنها و همچنین عدم امکان ارائه خدمات مالی به اصناف و اشخاصی که سابقه فروش قاچاق دارند از طریق مؤسسات مالی.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. جوادیان، سید محمدحسن؛ خسروآبادی، امیرحسین؛ آزادفر، محمدصادق (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی تعاریف و مصادیق قاچاق ارز و تخلفات ارزی در ایران. نشریه کارآگاه، ۱۳(۴۶)، ۹۶-۱۱۸.
http://det.jrl.police.ir/article_91240_2dcef3061059db99fca0d3569213c3c8.pdf
۲. رستمی غازانی، امید؛ رحمانی فرد، محسن (۱۴۰۱). سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالا و ارز سازمان یافته. مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۲۰)، ۱۳۹-۱۶۰. doi: 10.22106/jlj.2022.541265.4488
۳. ساداتی، سید محمدمهدی (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه راهبردهای پلیس در مبارزه با قاچاق کالا. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۵(۵۴)، ۸۱-۱۰۳. doi: 10.22034/cps.2020.94293
۴. ستوده گندشمن، مجتبی؛ دیندار بوسجین، رقیه؛ موسی صمدیان، موسی (۱۳۹۵). رویکرد واکنشی به قاچاق ارز در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و انتقادات وارد بر آن. نشریه کارآگاه، ۱۰(۳۷)، ۹۶-۱۲۰.
http://det.jrl.police.ir/article_10727_2d45464ddad1326a8152dcb43a4d0abb.pdf
۵. قادری، ادریس؛ کیانی، داوود؛ زیباکلام، صادق (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی قاچاق کالا در ایران: آسیب‌شناسی سیاستگذاری و سازوکارهای حکمرانی. سیاست جهانی، ۱۰(۱)، ۱۹۷-۲۲۰. doi: 10.22124/wp.2021.18619.2723
۶. یآوری، امیرحسین؛ برازی، علیرضا؛ مویدی خرم‌آبادی، علی (۱۴۰۱). یادگیری سیاستی در سیاست‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز: بررسی قوانین برنامه‌های پنج‌ساله اول تا ششم کشور. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۶(۲۳)، ۲۹۳-۳۲۸. https://issk.sndu.ac.ir/article_2236_401d0a5c5dfcf8dcb7554e75abef87f2.pdf

ب) قوانین

۷. سیاست‌های کلی امنیت ملی <https://farsi.khamenei.ir/tag-content?id=2246۱۳۸۰>
۸. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور ۱۳۹۶
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014070?keyword=%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85%20%D8%AF%D8%A7%D8%A6%D9%85%DB%8C>
۹. قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/801835۱۳۹۰>
۱۰. قانون بودجه سال ۱۳۹۷ <https://qavanin.ir/Law/PrintText/260944۱۳۹۷>
۱۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ <https://www.qavanin.ir/Law/PrintText/222166۱۳۹۲>
۱۲. قانون نحوه اعمال اعمال تعزیرات حکومتی ۱۳۷۹ <https://qavanin.ir/Law/PrintText/83383۱۳۷۹>
۱۳. دستورالعمل پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا ابلاغی رئیس‌جمهور بهمن ۱۴۰۰
<https://www.president.ir/fa/134586>

۲. انگلیسی

A) Books

1. A Daniell, K., & Kay, A. (2018). *Multi-level governance: conceptual challenges and case studies from Australia, Australia*. ANU Pres. DOI:10.22459/MG.11.2017.
2. Behnke, N., Broschek, J., & Sonnicksen, J. (2019). *Configurations, dynamics and mechanisms of multilevel governance*. Germany, Springer. DOI: 10.1007/978-3-030-05511-0_1.
3. C Curaj, A., Deca, L. & Pricopie, R.(2018). *European higher education area: The impact of past and future policies*, Germany. Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-77407-7>
4. Enderlein, H., Walti, S., & Zurn, M. (Eds.). (2010). *Handbook on multi-level governance*. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781849809047>

B) Articles

5. Ansell, C., & Torfing, J. (2022). Introduction to the Handbook on Theories of Governance. In: Christopher Ansell, and Jacob. Torfing (Eds.), *Handbook on Theories of Governance*, United Kingdom , Edward Elgar Publishing , 1-16. DOI:10.4337/9781800371972.00007.
6. Bache, I., Bartle, I., & Flinders, M. (2022). Multi-level governance. Christopher Ansell, and Jacob. Torfing (Eds.), *Handbook on Theories of Governance*, United Kingdom ,Edward Elgar Publishing, 32-46. DOI:10.4337/9781800371972.
7. Börzel, Tanja A. (2020). Multilevel governance or multilevel government? . *The British Journal of Politics and International Relations*,22(4), 776-783. DOI:10.1177/1369148120939872.
8. Brown, K. P. (2018). Multilevel governance and minimum flow: the varying conservation outcomes of water conflict resolution. In: Ramakrishnan Alagan(Eds), *Environment, Politics, and Society*, United Kingdom ,Emerald Publishing Limited, 25-44.. DOI:10.1108/S0895-993520180000025002.
9. Camões, P. J. (2022). Types of decentralisation and governance: Evidence from across the world. *Journal of Public Affairs*, 22(3), 24-35. DOI:10.1002/pa.2435
10. Heinen, Deborah & Alessandro, Arlati & Knieling, Jörg. (2022). Five dimensions of climate governance: a framework for empirical research based on polycentric and multi-level governance perspectives”, *Environmental policy and governance*,32(1),56-68. DOI:10.1002/eet.1963
11. Hensengerth, Oliver & Lu, Yiyi (2019). Emerging environmental multi-level governance in China? Environmental protests, public participation and local institution-building. *Public Policy and Administration*, 34(2),121-143. DOI:10.1177/0952076717753279.
12. Kuhlmann, S., & Franzke, J. (2022). Multi-level responses to COVID-19: crisis coordination in Germany from an intergovernmental perspective. *Local Government Studies*, 48(2) 312-334. DOI:10.1080/03003930.2021.1904398.
13. Maggetti, M. and Trein, P., 2019. Multilevel governance and problem-solving: Towards a dynamic theory of multilevel policy-making?. *Public Administration*, 97(2),355-369. <https://doi.org/10.1111/padm.12573>

14. Sheng, C., Liu, Y., & Liu, J. (2023). Multi-level governance and competing sustainability aims: Politics of renewable energy development and nature conservation in Changdao, China. *Energy Research & Social Science*, 97,80-109 DOI:10.1016/j.erss.2023.103001.
15. Zen, I. S., Al-Amin, A. Q., & Doberstein, B. (2019). Mainstreaming climate adaptation and mitigation policy: Towards multi-level climate governance in Melaka, Malaysia. *Urban Climate*,30,103-160 Doi:10.1016/j.uclim.2019.100501.

C) Thesis

16. Albers, Maarten. (2023), The rise and escalation of a multi-layered conflict in spatial planning, Master thesis Spatial Planning, University of Utrecht, Available at: https://studenttheses.uu.nl/bitstream/handle/20.500.12932/43407/Albers_Maarten_6271294%20%28Master%20Thesis%29.pdf?sequence=1&isAllowed=y

References In Persian:**A) Articles**

1. Javadian, S. M., Khosrowabadi, A. H., & Azadfar, M. S. (2018). Legal analysis of definitions and examples of currency smuggling and currency violations in Iran. *Karagah Magazine*, 13(46), 118-96. Available at: http://det.jrl.police.ir/article_91240_2dcef3061059db99fca0d3569213c3c8.pdf (In Persian).
2. Qadri, I., kiani D., & Zibakalam, S. (2021). The political economy of goods smuggling in Iran: the pathology of policymaking and governance mechanisms. *World Politics*, 10(1), 197-220. DOI:10.22124/wp.2021.18619.2723 (In Persian).
3. https://issk.sndu.ac.ir/article_2236_401d0a5c5dfcf8dcb7554e75abef87f2.pdf (In Persian).
4. Sadati, S. M. (2019). Pathology of Iran's legislative criminal policy in the field of police strategies in the fight against goods smuggling. *Crime Prevention Studies Quarterly*, 15(54), 81-103. DOI:10.22034/cps.2020.94293 (In Persian).
5. Sotoudeh Gandashmin, M., Dindar Bosjin, R., & Musa Samadian, M. (2015). A reactive approach to currency smuggling in the law to combat goods and currency smuggling and criticisms on it. *Karagah Magazine*, 10(37), 96-120. Available at: http://det.jrl.police.ir/article_10727_2d45464ddad1326a8152dcb43a4d0abb.pdf (In Persian).
6. Yavari, A. H., Barazi, A., & Moveidi Khorramabadi, A. (2022). Political learning in the policies of combating goods and currency smuggling: examining the laws of the country's first to sixth five-year programs. *National Defense Strategic Management Studies*, 6(23), 293-328 (In Persian).
7. Rostami Ghazani, O., & Rahmani Fard, M. (2022). Differential criminal policy against organized currency and goods smuggling. *Judicial Law Journal*, 86(120), 139-160. DOI:10.22106/jlj.2022.541265.4488 (In Persian).

B) Rules

8. Budget Law of 2018, <https://qavanin.ir/Law/PrintText/260944> (In Persian).
9. General policies of national security 2001, <https://farsi.khamenei.ir/tag-content?id=2246> (In Persian).
10. Instructions to prevent and deal with smuggling of goods announced by the President in February 2021, <https://www.president.ir/fa/134586> (In Persian).
11. Law against smuggling of goods and currency approved in 2013, <https://www.qavanin.ir/Law/PrintText/222166> (In Persian).
12. Law on Customs Affairs approved in 2011, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/801835> (In Persian).
13. Law on how to apply government punishments 2000, <https://qavanin.ir/Law/PrintText/83383> (In Persian).
14. Law on permanent orders of the country's development programs 2017, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014070?keyword=%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85%20%D8%AF%D8%A7%D8%A6%D9%85%DB%8C> (In Persian).